



بازی خدا

بخشی از خاطرات دفاع مقدس
جانباز جنگ تحمیلی
مصطفی قیصری

تقدیم به:

ساحت مقدس آقا امام زمان (عج) و روح پر قنوج امام خمینی (ره)
و رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)
و شهدای گرانقدر، جانبازان و ایثارگران معزز،
آزادگان عزیز و خانواده‌های محترمشان.

فهرست مطالب

۹.....	سخن مؤلف.....
۱۰.....	سپاسگزاری.....
۱۱.....	مقدمه.....
۱۵.....	با صاحب خاطرات جنگ آشنا شویم.....
۲۰.....	معلم هادی.....
۲۶.....	اولین اعزام.....
۳۷.....	معجزه.....
۴۱.....	نماز خانه‌ی خونین.....
۴۵.....	والفجر مقدماتی.....
۴۸.....	موج گرفتگی.....
۵۴.....	مراسم حنابندان.....

- ۶۰..... عملیات یا جشن تولد
- ۶۲..... باتلاق
- ۶۷..... قلاجہ
- ۷۰..... ابوالفضل ابوالفضل
- ۷۴..... سریند شہادت
- ۸۱..... مین گوجہای
- ۸۹..... ہنگامہی جنگ
- ۹۳..... میدان مین
- ۹۷..... مشہد مقدس
- ۱۰۰..... انتقال بہ تہران
- ۱۰۳..... پای مصنوعی یا پاتلاپی
- ۱۰۹..... بابا تو دیگہ کی ہستی؟
- ۱۱۳..... آفتابہ و جناب سرہنگ
- ۱۱۵..... امداد غیبی بہ داد بچہ ہا رسید
- ۱۱۹..... بازہم معجزہ
- ۱۲۲..... فاو
- ۱۲۷..... اسارت ۱۰ روزہ
- ۱۳۰..... کظم غیظ
- ۱۳۳..... دژ مستحکم دشمن شکست
- ۱۳۶..... کر کوک
- ۱۳۹..... دو قلوہا
- ۱۴۲..... بی دست می ایم بہ سویت

- مخابرات..... ۱۴۶
- شنیدم هر کسی با تو باشه شهید می شه؟!..... ۱۴۹
- سه خاطره در خاطره :..... ۱۵۴
- شب چله..... ۱۵۷
- سر جدا پیکر جدا..... ۱۶۰
- تخریب چي کوچک..... ۱۶۴
- حاجی بخشی..... ۱۶۷
- عطش..... ۱۷۱
- جانباز نابینای یک دست..... ۱۷۴
- عکس های یادگاری ۱۸۱
- فهرست منابع آیات و روایات..... ۲۰۷
- دل نوشته..... ۲۲۱



کتاب حاضر مجموعه خاطراتی است از چهل و هشت ماه حضور داوطلبانه‌ی یک بسیجی عاشق که هجده بار به طرق مختلف دچار مجروحیت گردیده که فقط دو مرتبه‌ی آن در دفاتر دنیایی ثبت گردیده و بقیه آن شاءالله در دفاتر آخرت ثبت شده باشد. در بین دفعات مجروحیت، بسیاری از زخمها کاری نبود و در چادرهای بهداری و بیمارستانهای صحرایی با چند روز استراحت برطرف شده، و زخم عمیق‌تر آن بود که خداوند بلند مرتبه لیاقت شهادت و وصل را نصیب نگردانید. حتماً مطالعه‌ی این خاطرات که فرازهای با ارزش جبهه‌ها را توصیف می‌کند و به آیات و روایات قرآنی استناد شده است در شما اثر مثبتی خواهد گذاشت. تمام خاطرات، منظره‌ها، حالات عرفانی بچه‌هایی پاک و معصوم که نامی از آنها ذکر شده همه جذاب و بیاد ماندنی است. دلاور مردانی که با شهامتشان هیچگاه به خود فکر نکردند و از خود گذشتند و امیدوارم کسانی که تحت تأثیر قرار می‌گیرند و قلبهایشان نرم می‌شود برای جاماندگان غافله‌ی عشق نه تنها احترام قائل شوند بلکه هیچگاه آنان را به دست فراموشی نسپرند. واز خدای بزرگ می‌خواهم به شما این توفیق را بدهد تا چنین خاطراتی را به نسل‌های آینده منتقل کنید تا عبرت بگیرند و بدانند که در جنگ ایران و عراق رزمندگان اسلام چه حماسه‌ها و افتخاراتی را در تاریخ ثبت کرده‌اند و بدانید که خداوند در پیش ملائک خود، به ما و خاطر اتمان افتخار و مباهات می‌کند و بدینوسیله به آنها نشان می‌دهد که ایراد آنها در مورد خلقت انسان بی‌مورد بوده است. و در آخر با افتخار به خداوند می‌گویم: خدایا به محمد (ص) بگو که پیروانش حماسه آفریدند، به علی (ع) بگو که شیعانش قیامت بپا کردند، و به حسین (ع) بگو خون در رگها همچنان می‌جوشد. خدایا ما جانبازان و جاماندگان کاروان شهدا با تو پیمان بسته بودیم که تا پایان راه برویم و تا آخرین قطره‌ی خون خویش از پیروان دین نبی الله (ص) و امام خمینی (ره) دفاع کنیم اما تو صلاح دانستی که بمانیم و ببینیم و بنویسیم تا آیندگان هرگز آن همه رشادت را فراموش نکنند.

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

مصطفی قیصری